

حقایق واقعی درباره کروناویروس و راه مقابله با آن!

با وجود گذشت ۴ ماه از نخستین بروز و گسترش بیماری کروناویروس (ویروس کرونا) همچنان در میان مردم گیجی و سردرگمی زیادی در مورد این بیماری وجود دارد. به‌ویژه که اطلاعات گمراه‌کننده زیادی از سوی حاکمان در قدرت سیاسی به‌ویژه حاکمانی که مخالف گسترش علم (ضد علم) هستند و از گفتن حقیقت طبق منافع طبقاتی‌شان طفره رفته و به‌جای حقیقت به‌طور هدفمند (و دقیقاً هدفمند) که در ادامه به آن خواهیم پرداخت) مزخرفات و جهل و جهالت ارتجاعی متافیزیکی را به‌جای آنچه علم و دانشمندان علم ویروس‌شناسی تاکنون در مورد این ویروس کشف کرده و گفته‌اند قرار می‌دهند؛ همچون رژیم فاشیست ترامپ/پنس در آمریکا و سران نظام جمهوری اسلامی ایران که با سرعت و شتاب گسترش یابنده همان بیماری کووید-۱۹ قصد دارند با دامن زدن به مزخرفات ضد علمی ارتجاعی در میان مردم راه یابد و پراکنده شود، که به‌نوبه خود افزون بر وضعیت خطرناک کنونی مبارزه بشریت با این دشمن نوین (بیماری کووید-۱۹) است که خود باعث گسترش این بیماری و مرگ غیرضروری مردم می‌شود. به‌عبارت‌دیگر در ایران حاکمان نظام ضد بشری جمهوری اسلامی و همچنین رژیم ترامپ/پنس در آمریکا که هر دو ضد علم هستند و مخاف گفتن حقیقت هستند ماه‌ها خطر بیماری کووید-۱۹ را که اکنون یک بیماری همه‌گیر جهانی است، پنهان کرده‌اند و زمینه را برای تأثیرات احتمالی فاجعه‌بار مهیا کرده و افرادی را که مخالف برنامه آن‌ها و ناکارآمدی و دروغ‌پردازی‌شان هستند را هدف سرکوب اصلی‌شان قرار می‌دهند. این یک حقیقت است که در شرایط مشخص کنونی ویروس کرونا در سراسر ایران در حال گسترش است و ایران در رتبه سوم تعداد مبتلایان به بیماری کووید-۱۹ و تعداد کشته شدگان قرار دارد. مردم تحت ستم ایران توسط تحریم‌های فلج‌کننده رژیم ترامپ/پنس بیشترین رنج و محنت را می‌برند و نه حاکمان نظام جمهوری اسلامی که جان مردم ستم‌کش و تحت استثمار برایشان پیشیزی ارزش ندارد و در شرایط مشخص کنونی از آن تحریم‌ها به‌عنوان اهرم فشار داخلی بر مردم ستم‌کش ایران استفاده می‌کنند! حقیقت دیگر این است که مردم ستم‌کش ایران مخالف این تحریم‌ها هستند و این مخالفت برحق‌شان در مقایسه با مخالف حاکمان نظام جمهوری اسلامی که برای بقای عمر ننگین حاکمیت‌شان امروزه با گسترش ویروس کرونا در ایران به یاد نوشتن عریضه‌ها و طومارها به سبک صادق قطب‌زاده افتاده‌اند و برای نخست‌وزیران، رئیس‌جمهوران کشورهای امپریالیست اتحادیه اروپا و رئیس سازمان ملل می‌فرستند تا تحریم‌های اقتصادی آمریکا لغو شود (که دولت ترامپ/پنس طبق شواهد چنین نخواهد کرد!) از یک جنس نیست! همچنین مردم فقیر، بیمار و بی‌خانمان (کارتن‌خواب‌ها)، زنان و کودکان کار و طبقه پرولتاریا در هر کشور سرمایه‌داری-امپریالیستی پیشرفته تحت حاکمیت طبقه سرمایه‌دار و همچنین فرودستان کشورهای "جهان سوم" (کشورهایی عقب‌مانده‌ای که مدیران و حاکمان‌شان داخلی‌شان در یک رابطه تنگاتنگ با نظام جهانی سرمایه‌داری-امپریالیسم هستند) که میلیاردها نفر از

جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند، بیشترین آسیب و رنج و محنت و مرگ غیرضروری را توسط ویروس کرونا متحمل می‌شوند.

بنابراین، چگونگی پاسخ به این سؤال برای میلیون‌ها نفر در سراسر جهان یک مسئله بین مرگ و زندگی هست و خواهد بود. این یک ویروس نوین در فرایند زندگی بشریت است که در حال حاضر هیچ درمانی، واکسنی و مصونیتی در مقابل آن وجود ندارد، هیچ دست غیبی، صحن امام و امام زاده‌ای و نیروی ماورالطبیعه نمی‌تواند از گسترش آن جلوگیری کند و سازمان بهداشت جهانی آنرا بیماری همه‌گیر جهانی (بیماری جهانگیر - pandemic - پندیمیک) اعلام کرده است. این بدان معنی است که در سراسر جهان وجود دارد.

بنابراین درک حقیقت در این باره ضروری است.

کرونا ویروس که منشأ بیماری کووید-۱۹ است چیست؟ چگونه گسترش می‌یابد و این ویروس چقدر خطرناک است؟

سازمان بهداشت جهانی در این باره می‌گوید: "کووید-۱۹ یک بیماری عفونی مسری نوین است که منشأ آن ویروس کرونا که اخیراً کشف شده است، می‌باشد. این ویروس و بیماری نوین قبل از شروع شیوع بیماری همه‌گیر محدود به شهر ووهان چین در دسامبر ۲۰۱۹ ناشناخته بود." سازمان بهداشت جهانی درباره کروناویروس نوشته است: "کروناویروس‌ها یک خانواده بزرگ ویروس است که ممکن است باعث ایجاد بیماری در حیوانات یا انسان‌ها شود. در انسان چندین ویروس باعث عفونت‌های تنفسی از سرماخوردگی معمولی گرفته تا بیماری‌های شدیدتر مانند سندرم تنفسی خاورمیانه (مارس- MERS) و سندرم شدید تنفسی حاد (سارس- SARS)، می‌شوند. ویروس کرونا (کروناویروس) اخیراً کشف شده باعث بیماری کووید-۱۹ می‌شود."

در حال حاضر اکثر محققان معتقدند که این ویروس ابتدا در حیوانات وحشی یافت شده است که به انسان جهش و سرایت کرد. این یک روش متداول است که بیماری‌های نوین در انسان به وجود می‌آیند.

این ویروس بسیار مسری است، یعنی خیلی راحت از فرد آلوده به دیگران گسترش می‌یابد، حتی اگر فرد بیمار علائمی را نشان ندهد. طبق شناخت از شواهدی که محققان و دانشمندان تاکنون (که البته این شناخت و درک از راه‌های شیوع آن در فرایند تحقیق و شواهد علمی می‌تواند تغییر کند یعنی تکامل یابد) که روی این ویروس انجام داده‌اند این ویروس از طریق تماس با افرادی که به آن مبتلا هستند، از طریق سطوح (دستگیره در، دکمه آسانسور و یا میله‌های فلزی پلکان عمومی و غیره) که از طریق دست انسان‌ها لمس می‌شوند، یا روی آن عطسه کرده‌اند، و به روش‌های دیگر می‌تواند گسترش می‌یابد.

برای اکثر افراد این بیماری ممکن است نسبتاً خفیف باشد - هرچند که هنوز هم می‌توانند در فرد مبتلا عفونت حاد ایجاد کند و به دیگران گسترش یابد. اما برای بخشی از مردم، این ویروس به‌ویژه، برای افراد سالخورده و کسانی که سیستم دفاعی مصونیتشان در معرض خطر هست و قبلاً به بیماری‌های تنفسی (تنفس کردن) مبتلا شده‌اند، می‌تواند باعث مرگ یا صدمات واقعی‌شان شود. افراد به‌شدت بیمار (مبتلا به بیماری کووید-۱۹) به اکسیژن، دستگاه تنفسی مصنوعی و بستری در بیمارستان نیاز دارند. گسترش این ویروس باعث تحت فشار قرار دادن ظرفیت موجود بیمارستان‌ها می‌شود و تحت این نظام حاکم سرمایه‌داری مردم متحمل هزینه‌های کلانی می‌شوند. میزان مرگ‌ومیر یعنی کسانی که می‌میرند، بین ۲ تا ۳ درصد است که با کیفیت مراقبت‌های بهداشتی ارتباط دارد. این درصد ممکن است خیلی به نظر نرسد، اما هنگامی که این را ضرب در (چند برابر) تعداد بالغ‌بر ده‌ها میلیون نفر در سراسر جهان که به‌احتمال زیاد به خاطر اینکه این ویروس همچنان برای مدت‌ها شیوع می‌یابد و برای مدت‌های نامعلوم مهار و محاط نخواهد شد، و می‌توانند توسط این ویروس مبتلا و مریض شوند در نظر بگیریم آنوقت متوجه می‌شویم که این یک خطر مهلک و بزرگ است که می‌تواند باعث مرگ ده‌ها یا صدها هزار نفر یا احتمالاً میلیون‌ها نفر در مدت‌زمان کوتاه شود. فراموش نکنیم که ما تازه در ابتدای این بیماری همه‌گیر جهانی هستیم.

از آنجاکه این ویروس به‌طور بالقوه بسیار خطرناک و بسیار گیرنده است، تقریباً هر جامعه‌ای برای محدود کردن شیوع آن اقداماتی را انجام می‌دهد. در ایالات متحده آمریکا و بسیاری از کشورهای اتحادیه اروپا، مرزها بسته شده‌اند، شهرها و سینماها، بسیاری از رستوران‌ها، نمایشگاه‌های بین‌المللی خودروسازی برای معرفی خودروهای سال جدید، موزه‌ها، اجلاس‌ها و بازی‌های بسکتبال و فوتبال و مسابقات دیگر (همچون ماشین‌رانی) لغو شده‌اند و مدارس بسیاری تعطیل و دانش‌آموزان در خانه هستند، بسیاری از دانشگاه‌ها تعطیل شده است و دانشجویان درس‌هایشان را از طریق اینترنت باید بیاموزند، بسیاری از شرکت‌های خطوط هوایی پروازهای داخلی و بین‌المللی را کاهش داده‌اند. این‌ها اقدامات مهمی است و بسیاری از آنچه انجام می‌شود معقول و صحیح است.

با توجه به مطالب حیاتی که در بالا ذکر شد، ضروری است که نکات و حقایق زیر را در نظر داشت:

طبق آمار سازمان بهداشت جهانی که دائماً به‌روز می‌شود ویروس کرونا تا ۱۷ مارس ۲۰۲۰ برابر با ۲۷ اسفند ۱۳۹۸ در جهان ۱۸۴,۹۷۶ نفر مبتلا (موارد تأیید شده مبتلایان) و ۷,۵۲۹ نفر را در ۱۵۹ کشور را کشته است. بازارهای مالی را ورشکست کرده است و ۲۴ ساعته و هفت روز هفته پوشش خبری دارد.

هرسال ۹ میلیون انسان از گرسنگی می‌میرند، یعنی ۲۵ هزار مرگ‌ومیر در روز. رسانه‌های نظام سرمایه‌داری هرگز این را پوشش نمی‌دهند. زیرا ریشه این در سوخت‌وساز نظام سرمایه‌داری-امپریالیستی جهانی که دائماً برای دسترسی به منابع جدید زیرزمینی و نیروی کار ارزان‌تر، غارت و چپاول

و جنگ‌های خانه‌مان سوز را دامن میزند تا سود کلانتری عاید اقلیت طبقه سرمایه‌دار در سراسر جهان شود؛ روشن است که چندین میلیون نفر از تحتانی‌ترین قشر فرودست تحت ستم و استثمار در جای‌جای جهان از آوارگی و رانده شدن از کلبه‌های حقیرشان گرسنه و فقیر شوند و مرگشان خمیرمایه‌ای را برای فربه‌تر شدن سرمایه‌دارانی که هیچ‌گاه گرسنه نمی‌مانند و در مجلل‌ترین کاخ‌های تجملی زندگی می‌کنند، تأمین می‌کند! جنگ و رقابت خونین بین امپریالیست‌های کشورهای پر قدرت مختلف و یا بین دو قطب منسوخ تاریخی یعنی نظام جهانی امپریالیستی و بنیادگران مذهبی ارتجاعی اسلامیت باعث بی‌خانمانی، آوارگی و مرگ به خاطر گرسنگی فرودستان تحت ستم جهان می‌شود، تا اقلیت حاکم بر جهان به بازتولید چاق‌ترین سرمایه مالی دست یابد.

بنابراین این سؤال اساسی همچنان به‌طور برجسته‌ای خودنمایی می‌کند که چرا ویروس کرونا حاکمان نظام جهانی سرمایه‌داری امپریالیستی و سرمایه‌داران را تحت تأثیر قرار می‌دهد، اما مرگ ناشی از گرسنگی و سوءتغذیه میلیون‌ها نفر از بشریت فرودستی که دائماً از سوی این نظام تحت ستم و استثمارند هرگز آن‌ها را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد؟

ویروس کرونا، حدود ۱۷۰ سال پیش شناسایی شد، جنسیت برایش مهم نیست، ملیت را نمی‌شناسد، خرافات و جهل مذهبی و ایمان به قوه ماوراءالطبیعه را می‌شکافد، و هیچ طبقه و قشری در هیچ کشوری در جای‌جای جهان از گزند مبتلا شدن و در کام مرگ بردنش مصون نیست! اما قشر تحتانی در هر کشوری بیش از هر طبقه و قشری مورد تهدید این ویروس قرار دارد!

قبلاً اشاره شد که ویروس کرونا تا تاریخ ۱۷ مارس در جهان ۱۸۴,۹۷۶ نفر مبتلا (موارد تأیید شده مبتلایان) و ۷,۵۲۹ نفر را در ۱۵۹ کشور را کشته است. حاکمان این نظام ضد بشری متوجه خطری جدی که نظام جهانی سرمایه‌داری-امپریالیستی را با فرورفتن در کام یک بحران اقتصادی، سیاسی و اجتماعی روبرو کرده است، و متوجه به زیر سؤال رفتن مشروعیت نظامشان از سوی میلیاردها ستمبران و استثمارشوندگان جهان، شده‌اند.

حاکمان نظام جهانی سرمایه‌داری-امپریالیستی علیرغم تمامی تبلیغاتی که در رسانه‌هایشان می‌کنند، نشان دادند که در جنگ با این دشمن که هنوز برای بشریت ناشناخته است (ویروس کرونا) نمی‌توانند از جان بشریت دفاع کنند. جان انسان‌ها در مقابل منافع استراتژیک و ادامه حیات نظامشان پیشی ارزش ندارد. این نظام در جنگ با این دشمن (ویروس کرونا) شکست خورده است. شالوده‌زیربنای اقتصادی و روبنای سیاسی مرتبط با آن سست و بی‌ثبات شده است، بازار بورس و گمانه‌زنی‌های درباره بالاتر رفتن و یا پایین آمدن قیمت سهام شرکت‌ها و مؤسسات غول‌پیکر امپریالیستی در همه‌ی حوزه‌های مالی در سراسر جهان سقوط کلانی داشته است، اولین گام حاکمان نظام ضد بشری امپریالیسم سرمایه‌داری پمپاژ میلیاردها دلار به درون ساختارهای اقتصادی اساسی سرمایه‌داری (بانک‌ها و دیگر شرکت‌های عظیم) و پایین آوردن نزدیک

به صفر نرخ بهره پایه‌ای (نرخ بهره ترجیحی - که بانک‌ها به مشتریان سرمایه‌دار عمده و پول‌ساز خود در زمان گرفتن وام‌های کلان می‌دهند) و خرید شمار زیادی از اوراق بهادار دولتی بود و نه سرمایه‌گذاری در زمینه کشف واکسن و داروی کرونا! در این مورد خبر گزارش داده شده این است: بانک مرکزی آمریکا برای مقابله با تبعات اقتصادی گسترش ویروس کرونا نرخ پایه بهره بانکی را در این کشور به نزدیک صفر رسانده و از یک بسته محرک‌های اقتصادی به ارزش ۷۰۰ میلیارد دلار خبر داده است. "به این ترتیب برای خواننده چالشگر روشن است که بین دفاع از عمر نظام حاکم امپریالیست سرمایه‌داری بر جهان و یا دفاع از جان ۷,۸ میلیارد (هفت میلیارد و هشتصد میلیون یا تقریباً ۸ میلیارد) نفر بشریت جمعیت کره زمین (تا مارس ۲۰۲۰) می‌باشد.

نظام امپریالیسم جهانی به رهبری دولت آمریکا به خاطر حفظ منافع و سلطه‌اش استراتژیکش در خاورمیانه در ۱۹ مارس ۲۰۰۳ با صرف هزینه بیلیاردها دلار (۱۰^{۱۵} - ده به توان ۱۵ برابر با یک بیلیارد می‌باشد) دشمنی (رژیم صدام حسین) و بر اساس تبلیغات دروغ و مهندسی‌شده درباره در اختیار داشتن سلاح‌های کشتار دسته‌جمعی (همچون سیاه زخم یا انترکس) و ارتباط رژیم عراق با گروه تروریستی القاعده که حملات انتحاری در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ (مصادف با ۲۰ شهریور ۱۳۸۰) به برج‌های دوقلو انجام دادند، را سرنگون کردند. در این مورد روزنامه آلمانی دویچه وله در سال ۲۰۰۸ نوشته است: "طبق محاسبه تازه دانشمندان درگیری ایالات متحده در عراق و افغانستان برای این کشور مخارجی چنان سرسام‌آور در بر دارد که احتمالاً از هر هزینه‌ای در طول تاریخ بالاتر است. بنا به ارزیابی جوزف استیگلیتز اقتصاددان برنده جایزه نوبل و همکارانش، مخارج جنگ تا سال ۲۰۱۷ به بیش از ۵ بیلیون دلار یا پنج هزار میلیارد دلار بالغ خواهد شد. تنها در سال جاری جنگ ماهانه ۱۲ میلیارد دلار برای آمریکا هزینه داشته است، که سه برابر سال‌های اول جنگ است. به نظر این هیئت اقتصادی از سال ۲۰۰۸ تا سال ۲۰۱۷ هزینه جنگ‌های عراق و افغانستان برای ایالات متحده بیش از ۲ بیلیون و ۷۰۰ میلیارد دلار خواهد بود، که اگر مخارج خدماتی و درمانی نیز به آن اضافه شود، دو برابر خواهد شد. کنگره آمریکا طبق محاسبه جداگانه‌ای به رقم حدود یک و نیم بیلیون دلار رسیده است که سه‌چهارم آن برای جنگ عراق هزینه می‌شود." "هزینه هجده‌ساله جنگ آمریکا در افغانستان ۷۵۰ میلیارد یا یک تریلیون دلار بوده است.

بنابراین حاکمان این نظام ضد بشری سرمایه‌داری-امپریالیستی جهانی به رهبری دولت آمریکا که در سال ۲۰۰۳ ژست رهایی مردم عراق و زنان و ایجاد "دمکراسی" را گرفته بود و مبلغ سرسام‌آور بالغ بر بیلیاردها دلار برای حفظ منافع استراتژیکی‌اش هزینه نمود اما در جنگ با ویروس کرونا نشان داد که علیرغم تبلیغاتش نه واقعاً صلاحیت دفاع از بشریت جهان دارد و نه به فکر منافع و جان بشریت است، و در تقابل با منافع اساسی بشریت تحت ستم و استثمار هدفمندانه منافع اساسی نظام سرمایه‌داری را طبق سوخت‌وساز آنچه برای ادامه حیات زیربنای اقتصادی (روابط تولیدی سرمایه‌داری) و روبنای سیاسی

مرتبط با آن ضروری است در استمرار و بازتولید تمایزات طبقاتی، ابقاء کلیه روابط تولیدی که به این تمایزات طبقاتی پا می‌دهد، بازتولید کلیه روابط اجتماعی که منطبق بر این روابط تولید است؛ و نگهداری و بسط کلیه افکاری که منطبق بر این روابط است، در طول تاریخ تکامل جامعه بشری تحت حاکمیت سرمایه‌داری و تکامل آن به بالاترین مرحله‌اش امپریالیسم جهانی طی دو قرن گذشته و تاکنون حتی به قیمت آوارگی، مردن از گرسنگی و قتل میلیون‌ها نفر از بشریت در جنگ‌های تجاوزگرانه، تقویت نموده و همچنان می‌کند.

در همین زمینه باب آواکیان در نوشته‌ای درباره واقعیت سرمایه‌داری، محدودیت‌ها و جوهره دمکراسی اجتماعی می‌گوید:

بخش‌های بزرگی از بشریت در فقر شدید زندگی می‌کنند، ۲,۳ میلیارد نفر حتی فاقد توالی یا مستراح ابتدایی و تعداد بسیار زیادی به بیماری‌های قابل‌پیشگیری مبتلا هستند، به طوری که میلیون‌ها کودک هرساله در اثر این بیماری‌ها و از گرسنگی می‌میرند، درحالی که ۱۵۰ میلیون کودک در جهان مجبور هستند با کار کودکان بی‌رحمانه استثمارشده، و کل اقتصاد جهان بر شبکه‌ی گسترده‌ای از کارگاه‌های عرق‌ریزان بافندگی و ریسندگی^۱ (که اغلب دارای شرایط طاقت‌فرسا، دستمزد ناعادلانه، ساعات کار بیش از ۱۲ ساعت، به‌کارگیری کار کودکان و عدم مزایای کارگران) مستقر است و تعداد زیادی از زنانی را که مرتباً مورد آزار و اذیت تجاوز جنسی قرار می‌گیرند، استثمار می‌شوند، جهانی که ۶۵ میلیون پناهنده در اثر جنگ، فقر تحت تعقیب بودن، آزار و اذیت و تأثیرات گرم شدن کره زمین آواره شده‌اند.... (برگرفته از "چرا ما به یک انقلاب واقعی نیاز داریم و چگونه واقعاً می‌توانیم انقلاب کنیم. متن و فیلم‌های این گفتار آواکیان در وب‌سایت نشریه انقلاب revcom.us در دسترس است).

ویروس کرونا همچنین یک حقیقت مهم دیگر را نشان داد و در مقابل چشمان بشریت تحت ستم و استثمار قرار داد، که نزاع بین دو قشر منسوخ و پوسیده تاریخی، که در یکسرش قشر حاکمان نظام جهانی امپریالیستی سرمایه‌داری و نهضت مسیحیت فاشیست جهانی (به رهبری امپریالیسم آمریکا به‌عنوان دشمن شماره یک بشریت و بزرگ‌ترین تهدید برای بشریت ستم‌کش است) قرار دارد و در سر دیگرش قشر تروریست‌های جهادگران مرتجع اسلامی قرار داد که تلاش می‌کنند خود را نماینده منافع بشریت استعمار شده و تحت ستم در کشورهای عقب‌نگه‌داشته شده جهان سوم معرفی کنند، این دو قطب حتی زمانی که باهم در نزاع و تخاصم‌اند همدیگر را تقویت می‌کنند و هر نیرویی که از یکی از این دو قطب تحت هر توجیهی دفاع کند بر آتش این جنگ خانمان‌سوز بنزین می‌پاشد و درواقع هر دو را تقویت می‌کند. در مرکز این نزاع ارتجاعی طناب داری بر گردن میلیارد‌ها نفر از بشریت تحت ستم گره‌خورده است که یکسرش در

۱- اشاره به کارگاه‌های پوشاک دوزی که اغلب دارای شرایط طاقت‌فرسا، دستمزد ناعادلانه، ساعات کار بیش از ۱۲ ساعت، به‌کارگیری کار کودکان و عدم مزایای کارگران است. م

دست نیروی ابرقدرت نظام جهانی سرمایه داری-امپریالیسم و فاشیست‌های مسیحی شریک قدرت آن نظام و سر دیگرش در دست جهادگران تروریست اسلامی ضد مردمی است! بشریت با مشکلی بس عظیم روبروست، چه باید کرد؟ بشریت چگونه باید از تضاد این دونیرو به سود رهایی خویش در یک بزنگاه و فرصت تاریخی همراه با خطرات پیش‌رو بهره جوید؟ آیا اتحاد با یکی از این دشمنان ضد بشری که مترصد وارد کردن ضربه نهایی به منافع بشریت می‌باشد، گزینه‌ای انقلابی است؟ آیا یک نیروی انقلابی که منافع اساسی بشریت تحت ستم و استثمار را در اولویت برنامه خویش برای رهایی کلیت بشریت قرار داده است باید با یکی از این دو علیه دیگری دست اتحاد ولو به‌طور موقت دهد؟ گروه‌هایی که تحت هر توجیه ضدانقلابی می‌خواهند نیروی خود را در خدمت یکی از دوسر این طناب‌کشی قرار دهند در واقع در تحلیل نهایی به سرباز پیاده یکی از این دو قطب منسوخ تاریخی تبدیل می‌شوند و باعث ادامه بردگی و تسلیم‌طلبی بشریت تحت ستم و استثمار می‌شوند.

همین مثال در مورد فرایند نزاع بین طبقه منسوخ و پوسیده تاریخی حاکم بر نظام سرمایه‌داری جمهوری اسلامی از یک طرف و طبقه حاکم بر نظام منسوخ و کهنه تاریخی جهانی سرمایه‌داری امپریالیسم به رهبری امپریالیسم آمریکا صادق است. آیا راهی دیگر برای برون‌رفت از این شرایط بدون تقویت هر یک از این دو قطب ممکن است؟ آیا پیمودن یک‌راه نوین برای تحقق بخشیدن به منافع اساسی بشریت تحت ستم و استثمار (از جمله مردم ایران) ممکن و ضروری است؟ بر پایه یک تحلیل مشخص از اوضاع مشخص برای کشف حقیقت (ضرورت) در زمان کنونی که ویروس کرونا نه تنها چهره بلکه به‌طور نسبی شالوده و کارکرد واقعی نظام امپریالیسم سرمایه‌داری حاکم بر جهان برای میلیون‌ها نفر از ستم‌کشان ایران که فشار اصلی تحریم‌ها برای درآوردن لقمه نانی بر شانه‌هایشان علاوه بر استثمار فزاینده و ستم و سرکوب خشن توسط جمهوری اسلامی سنگینی می‌کند و معیشتشان را غیرممکن ساخته است، و همچنین برای ستم‌کشان آمریکا همچون سیاه‌پوستان، لاتین تبارها، مردم سرخ‌پوست بومی، میلیون‌ها نفر کارتن‌خواب، رنگین‌پوستان و پناهجویانی که از خوف مأمورین فاشیست نژادپرست سفید اداره مهاجرت و گمرک در سایه زندگی می‌کنند و در هر ثانیه و هر قدمی که برمی‌دارند با چشمانی نگران اطراف خویش را می‌پایند که دستگیر نشوند تا بتوانند تکه نانی و دستمزدی کوچکی که از پس استثمار شدید برای تأمین خانواده‌شان گیرشان می‌آید از دست نرود. این گروه از مهاجران کسانی‌اند که در قعر جامعه آمریکا زندگی محقرانه‌ای را می‌گذرانند که مانند سگان ولگرد در بدترین شرایط و بدترین، کثیف‌ترین و مخوف‌ترین (به علت رفت آمد ماشین‌های پلیس جانی و فاشیست آمریکا) در قسمت‌های پایین شهرهای بزرگ با امکانات کم به یک معنای واقعی "زندگی سگی" را می‌گذرانند. همه‌ی این‌ها به یک حقیقت واقعی اشاره دارد، یعنی نشان می‌دهد که یک اتحاد انترناسیونالیستی بین فرودستان ایران و آمریکا در مبارزه با دو نظام سرمایه‌داری که فاشیست عربان را در سیاست خارجی و داخل به‌پیش می‌برند وجود دارد. اتحادی که ریشه در یکی بودن منافع اساسی دارد. اتحادی بر مبنای انترناسیونالیسم پرولتاریایی!

تا آنجا که به ضرورت مشخص کنونی نظام ضد بشری جمهوری اسلامی در فرایند گسترش ویروس کرونا ارتباط دارد، هدف کلیه جناح‌ها و دسته‌بندی‌های آن از قرنطینه نکردن شهرهای ایران و به‌ویژه شهر قم که مرکز اصلی شروع و گسترش ویروس کرونا به سراسر ایران بود، کشتن هدفمند شمار فزاینده‌ای از مردم ایران برای نشان دادن مورد ستم و ظلم قرار گرفتن ایران (بخوانید جمهوری اسلامی!) به خاطر رفع تحریم‌های دولت آمریکا با اتکا به تحت فشار قرار دادن افکار عمومی جهان به‌ویژه امپریالیست‌های اتحادیه اروپا و بخشی از هیئت حاکمه آمریکا (جناح حزب دمکرات که نمایند آن بیل کلینتون و اوباما و جو بایدن هستند) و همچنین امپریالیسم روسیه و چین، هست. این تیری است در تاریکی و تلاشی است عاجزانه از سوی حاکمان جمهوری اسلامی برای از آب گل‌آلود ماهی گرفتن! از این طریق جمهوری اسلامی می‌خواهد با یک تیر دو نشان بزند، هم مبارزان دستگیرشده آبان خونین را بکشد و هم اینکه با بالا رفتن شمار کلان کشته‌شدگان توسط ویروس کرونا می‌خواهند با مظلوم‌نمایی و خودزنی شرایط لغو تحریم‌ها را مهیا کنند! اما نکته مهم دیگر در وانفسای شیوع بیماری کووید-۱۹ کشتن هدفمند دستگیرشدگان آبان ماه هست. طبق اخبار موثقی که از منابع امنیتی به دست گروه ما رسیده است، یک فاجعه انسانی از طرف نظام جمهوری اسلامی در شرف تکوین است، شکنجه‌گران و مأمورین زندان دستگیرشدگان مبارزات آبان ماه را می‌کشند و آن‌ها را شبانه تحت عنوان اینکه به خاطر ویروس کرونا مرده‌اند دفن می‌کنند، و سپس مسئولین زندان به خانواده‌هایشان اطلاع می‌دهند که فرزندشان به خاطر ابتلا به کرونا در زندان مرده است و نمی‌توانستند جنازه را به آن‌ها تحویل دهند و باید فوراً دفن می‌شد! این زنگ خطری است که جنبش کمونیستی باید در مورد آن به افشاگری پردازد.

جان مردم برای حاکمان نظام ضد بشری سرمایه‌داری جمهوری اسلامی ارزش ندارد و از آن به‌عنوان اهرم فشار برای لغو تحریم‌های آمریکا استفاده می‌کنند تا شاید (این شاید، باید نمی‌شه!) بتوانند به عمر نکبت‌بار نظامشان چند صباحی اضافه کنند!

از ۲۲ ژانویه ۲۰۲۰ تا ۱۸ مارس (۲۸ اسفند ۱۳۹۸) در جهان ۱۹۳۴۷۵ نفر به ویروس کرونا مبتلا شده‌اند. یعنی به‌طور متوسط ۳۵۸۲ نفر در روز به آن مبتلا می‌شوند. در همین زمان ۷۸۶۴ نفر توسط بیماری کووید-۱۹ کشته شده‌اند یعنی به‌طور متوسط ۱۴۵ نفر در روز توسط آن کشته می‌شوند. زمانی که در نظر بگیریم که این ویروس اساساً هنوز در نیمکره شمال سیاره ما مشغول کشتن بشریت است و هنوز به نیمکره جنوبی که در آن فقیرترین کشورها از لحاظ سطح درآمد روزانه شهروندان قرار دارند سرایت نکرده است، باید منظر یک فاجعه جهانی بود. ویروس کرونا تا مدتی طولانی کره زمین را درخواهد نوردید و روشن نیست که در این درنوردیدن چند بار به دور سراسر سیاره ما چرخ خواهد زد و هر بار با چرخشش جان چند هزار و یا چند میلیون نفر را خواهد گرفت!

راه مقابله با آن!

طی ۳ قرن گذشته میلیون‌ها نفر از بشریت سراسر جهان در طول تاریخ زندگی تحت نظام سرمایه‌داری توسط ویروس کرونا که همه از یک خانواده اما از لحاظ برخی خصوصیات ژنتیکی باهم متفاوت‌اند، کشته شده‌اند. به‌عنوان مثال در سال در سال ۱۸۸۹ تا ۱۸۹۰ آنفولانزا در جهان همه‌گیر شد و یک میلیون نفر را در سراسر جهان به خاطر عفونت حاد و شدید ریه کشت. در سال ۱۹۱۸ تا ۱۹۲۰ که ارقام و شواهد دقیقی از شیوع بیماری عفونتی ریه وجود دارد آنفولانزا در جهان همه‌گیر شد و بالغ بر ۱۰۰ میلیون نفر از بشریت بعد از اینکه این ویروس دو بار سراسر سیاره ما را درنوردید، کشته شدند. در سال ۱۹۵۷ تا ۵۸ آنفولانزای آسیایی که باز از خانواده کرونا ویروس است بالغ بر ۴ میلیون نفر را کشت. همچنین به‌تازگی آنفولانزای فصلی در سال ۲۰۱۹ تنها در آمریکا به‌عنوان یکی پیشرفته‌ترین سرمایه‌داری در جهان جان ۵۲ هزار انسان را گرفت! باز حاکمان نظام ضد بشری سرمایه‌داری در بوق و کرنا می‌دمند که "واکسن یا داروی کرونا در دست تهیه است و همه چیز بزودی عادی می‌شود!" اما نمی‌گویند که طبق شواهد علمی ساختن واکسن، هیچ واکسنی تا ۱۸ ماه و حداقل یک سال دیگر قابل دسترسی نیست! چند هزار و یا چند میلیون نفر از بشریت خواهند مرد؟

آن‌ها دروغگو هستند
و می‌دانند که دروغگو هستند
و می‌دانند که می‌دانیم که دروغگویند
و با این وجود
با صدای بلند دروغ می‌گویند!

همه این موارد ذکر شده این حقیقت را برملا می‌کند که:

بشریت در سراسر جهان اگر می‌خواهد از شر بیماری‌های عفونتی حاد تنفسی که توسط خانواده ویروس کرونا ریه را نشانه می‌گیرد و هرازگاه باوجود پیشرفت‌های دانش علمی در حوزه ویروس‌شناسی و واکسن‌سازی سریلند می‌کند و در یک چشم به هم زدن (نسبت به عمر سیاره ما و عمر ۱۳ بلیون سال یونیورس-عالم هستی) هر بار صدها هزار و یا میلیون‌ها نفر از بشریت را تحت نظام امپریالیسم سرمایه‌داری که علم را به کالا و سود اندوزی و انباشت سرمایه و پیشبرد منافع استراتژیکش تقلیل داده است به هلاکت می‌رساند، به‌طور قطعی و واقعی خلاص و رها شود، هیچ راهکار معقول و مطلوبی مگر واژگون کردن این نظام ضد بشری در کشورهای مختلف که به سدی در مقابل رهایی بشریت تحت ستم و استثمار تبدیل شده است، برایش متصور نیست. راهکاری که بشریت در هر جامعه با تشریک مساعی دسته‌جمعی و شرکت خلاق در تصمیم‌گیری‌هایی صحیح و با یک رویکرد علمی که با فرجام

نسل‌های آینده و همچنین به منافع اساسی کلیت بشریت در سراسر جهان گره‌خورده باشد، برای بوجود آوردن جامعه و اجتماعی فارغ از ستمگران و استثمارکنندگان بنا شده باشد.

گسترش و شیوه جهانی ویروس کرونا و بیماری عفونتی نوین کووید-۱۹ نشان داد که در مقابل بشریت تحت ستم و استثمار جهان برای اینکه از شر گذشته شدن توسط ویروس‌های مختلف کرونا خلاص شود هیچ راهکاری مگر واژگونی نظام سرمایه‌داری به‌عنوان دشمن شماره یک بشریت (و در مورد مشخص ایران سرنگونی انقلابی نظام جمهوری اسلامی)، به وجود آوردن یک دنیای بهتر از طریق ایجاد جوامع سوسیالیستی در کشورهای مختلف در یک انقلاب واقعی برای دستیابی به هدف کمونیسم وجود ندارد.

انقلاب اجتماعی توده‌ای که هدفش بر اساس محو ۴ کلیتی است که مارکس برای بوجود آوردن جامعه سوسیالیستی تبیین کرد و تأکید نمود: «دیکتاتوری پرولتاریا دوره گذار (جامعه سوسیالیستی) ضروری برای محو کلیه تمایزات طبقاتی، محو کلیه روابط تولیدی که به این تمایزات طبقاتی پا می‌دهد؛ محو کلیه روابط اجتماعی که منطبق بر این روابط تولید است، محو کلیه افکاری که منطبق بر این روابط است، می‌باشد.»ⁱⁱⁱ در تحلیل نهایی هرگونه انقلابی که هدفش محو ۴ کلیت و برای دستیابی به هدف نهایی کمونیسم نباشد نمی‌تواند یک انقلابی واقعی کمونیستی باشد و بنابراین نمی‌تواند ستم‌کشان فرودست را به رهایی قطعی برساند.

نظام جهانی سرمایه‌داری-امپریالیسم صلاحیت دفاع از جان بشریت در جنگ با بیماری کووید-۱۹ را ندارد! این نظام ضد بشری باید و می‌توان توسط بشریت تحت ستم و استثمار جهان در کشورهای جهان یکی پس از دیگری سرنگون شود!

تنها راه در مقابل مردم ستم‌کش ایران سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی در یک انقلاب اجتماعی با شرکت میلیون‌ها نفر است!

سرنگونی نظام سرمایه‌داری توتالیترارته‌ی مستبد مذهبی و زن‌ستیز جمهوری اسلامی هم مطلوب، هم ممکن و هم ضروری است!

انقلاب و نه چیزی کمتر!

انقلابی با جهت‌گیری انترناسیونالیسم پرولتاریایی نوین!

پیش به سوی ایجاد جامعه سوسیالیسم نوین!

پیش به سوی ایجاد حزب کمونیست انقلابی ایران!

گروه کمونیست‌های انقلابی سنتز نوین در ایران

۱ فروردین ۱۳۹۹

یادآوری‌ها

ⁱ- این آمار در لینک سازمان بهداشت جهانی قابل دسترسی است:

<https://experience.arcgis.com/experience/685d0ace521648f8a5beeeee1b9125cd>

ⁱⁱ- این نوشته تحت عنوان "هزینه سنگین جنگ عراق" در لینک زیر وبسایت دویچه وله قابل

دسترسی است:

<https://www.dw.com/fa-ir/%D9%87%D8%B2%DB%8C%D9%86%D9%87-%D8%B3%D9%86%DA%AF%DB%8C%D9%86-%D8%AC%D9%86%DA%AF-%D8%B9%D8%B1%D8%A7%D9%82/a-3182674>

ⁱⁱⁱ- مارکس کتاب "نبردهای طبقاتی در فرانسه" ترجمه باقر پرهام صفحه ۱۴۵